

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

## آهسته آهسته

شب یلدا شد و ، خرقِ حجاب آهسته آهسته  
که آزاد از اسارت ، آفتاب آهسته آهسته  
به آخر عمر شبهای دراز تارِ ظلمانی  
به عالم می رسد دورِ شباب آهسته آهسته  
نقاب از رخ فگنده ، جلوه ها دارد شه خوبان  
وفا بر عهد و پیمان کتاب آهسته آهسته  
ز محرابِ جمالش آیه ای از عشق بشنیدم  
بشارت ها بر یوم الحساب آهسته آهسته  
به چشمِ سر عیان سِرّی ز اسرار لقا دیدم  
جهان در خواب و جانان در خطاب آهسته آهسته  
من حاضر بر سرِ بالینت ای عاشق ! چرا خوابی  
بگیر از دامنِ وصلم ، شتاب آهسته آهسته  
رحیقِ ناب از جامِ جمال نوش جان فرما  
که تا در آتشِ عشقم کباب آهسته آهسته  
ز قربانگاه برگشتن ، نباشد شیوه مردی  
هزاران جان نثار اندر ، تراب آهسته آهسته  
به بزمِ عشقبا زان تا شدی رفعِ عطش ما را  
تمام هست و بودم شد ، خراب آهسته آهسته

به دام زلف صیدم کرد ، از روی وفاداری  
کمندِ عشق دارم ، در رقاب آهسته آهسته  
الا صیدِ هوس ، تا کی ، اسیرِ کینه و بغضی  
رهان از چنگِ این و آن ، قطاب آهسته آهسته  
تلاشِ دانه چون مرغی ، درین خاکِ سیه تا کی  
گشا بال و پری همچون ، عقاب آهسته آهسته  
ز اوجِ قله ها ، از تنگنای سینه ، فریادی  
به مردی حرق و خرقِ هر حجاب آهسته آهسته  
کجا روشن کند شمس و قمر تارِ شبِ دلها  
به جز شمعِ محبت از صواب آهسته آهسته  
به جرمِ آشنایی ها ، تپیدن در نفس دارم  
وگر نه پای دل اندر رکاب آهسته آهسته  
به پاسِ خاطرِ یاران ، به اوراقِ دلِ شوقم  
نوشتیم با زکاب و شد خضاب آهسته آهسته  
الا قاصد بپر این نامه را در دستِ جانان ده  
بگو «نعمت» ز هجرانت ، کیاب آهسته آهسته

( شهر اسن المان - 20 دسمبر 2008 )